

تحلیل هویت نوجوانی با توجه به دین‌داری، سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی

محمد شمس

دانش آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ایران، قم.

msh2976@gmail.com

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، آزمون بررسی رابطه چندگانه هویت فردی بر اساس دین‌داری، سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی است. به این منظور تعداد ۶۱۶ نفر از دانش‌پژوهان مشغول به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام شهر قم، طلاب مشغول به تحصیل در جامعه الزهراء علیها السلام و دانشجویان دانشگاه دولتی اراک که به صورت در دسترس انتخاب شدند، به پرسشنامه‌های سبک‌های هویت برزونسکی (ISI-6G)، دین‌داری خدایاری فرد، سبک‌های دل‌بستگی هازن و شیور (AAI) و پنج عاملی شخصیت نئو فرم کوتاه (NEO-FFI) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS، نسخه ۲۱، و با روش رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج ضرایب رگرسیونی استاندارد شده به دست آمده از عوامل شخصیت ($P < 0/01$) و دین‌داری ($P < 0/01$) نشان داد که این دو متغیر می‌توانند سبک هویت را پیش‌بینی کنند. ضریب رگرسیونی استاندارد شده سبک دل‌بستگی ($P > 0/05$) نشان داد که سبک دل‌بستگی، توانایی پیش‌بینی سبک هویت را ندارد. نتیجه اینکه عوامل شخصیت و دین‌داری می‌توانند ۶۷ درصد از واریانس سبک‌های هویت را تبیین کنند، در حالی که سبک‌های دل‌بستگی نقش معناداری در پیش‌بینی سبک‌های هویت ندارند.

کلیدواژگان: نوجوانی، هویت فردی، دین‌داری، سبک‌های دل‌بستگی، عوامل شخصیت.

مقدمه

بر اساس نظر متخصصان، مفهوم هویت فردی^۱ از جمله مفاهیمی است که در طول زندگی بسیار اهمیت دارد و به همین دلیل بررسی آن، چه از جنبه نظریه پردازی (اریکسون،^۲ ۱۹۶۸)، چه از جنبه بسط نظری (لووینگر،^۳ ۱۹۷۶؛ مارسیا،^۴ ۱۹۸۰؛ برزونسکی،^۵ ۱۹۸۹) و چه از جنبه مقایسه آن با دیگر ساخت‌های روانی و سنجش میزان رابطه میان آن‌ها، مانند دین‌داری^۶ (لیندستروم،^۷ ۲۰۱۵؛ بل،^۸ ۲۰۰۹؛ دوریز و سننس،^۹ ۲۰۰۶)، سبک‌های دل‌بستگی^{۱۰} (امتیاز و نقوی،^{۱۱} ۲۰۱۲؛ ارسلان و آری،^{۱۲} ۲۰۱۰) و عوامل شخصیتی^{۱۳} (شیردل و همکاران، ۲۰۱۵؛ صادقی، تاجیک‌زاده و مهرابی‌زاده هنرمند، ۲۰۱۴؛ دوریز و سوننس، ۲۰۰۶) به منظور شناسایی هر چه بهتر هویت فردی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن، همیشه مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده است. از همین روست که توجه به عواملی که در شکل‌گیری هویت فردی در سنین نوجوانی سهم‌اند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی و یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین دوره‌های رشد انسان است (فیست^{۱۴} و فیست، ۲۰۰۸؛ شولتز^{۱۵} و شولتز، ۲۰۰۸؛ برک،^{۱۶} ۲۰۰۶). بزرگسال، کسی است که دارای جایگاه و نقشی معین در زندگی بزرگسالی باشد. میزان موفقیت فرد در گذشتن از این مرحله انتقالی، بستگی به میزان آمادگی‌های او برای این دوره دارد. زندگی سالم دوره

1. individual identity
2. Erikson
3. Loevinger
4. James Marcia
5. Berzonsky
6. religiosity
7. Lindström
8. Bell
9. Duriez & Soenens
10. attachment styles
11. Imtiaz & Naqvi
12. Arslan & Ari
13. personality factors
14. Feist
15. Schultz
16. Berk

نوجوانی، می‌تواند ضامن سلامت دوره بزرگسالی باشد. نوجوانی، دوره تمرین و کسب مهارت‌های بزرگسالان است. به سبب وجود انواع و اقسام نیازهای گوناگون و متعارض، این دوره زندگی از دیگر دوره‌ها متمایز است و صرف‌نظر از دوره نوزادی، مهم‌ترین دوره شمرده شده است (فیست و فیست، ۲۰۰۸؛ شولتز و شولتز، ۲۰۰۸؛ برک، ۲۰۰۶). به تعبیر ماسن^۱ و همکارانش (به نقل از: یاسائی، ۱۳۹۲، ص ۶۳۴) دوره نوجوانی مرحله‌ای پرکشمکش و گاهی دشوار در زندگی است؛ زیرا دوره تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و شناختی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است. بنا بر نظر اریکسون، عمده‌ترین تضاد در دوره نوجوانی تضاد بین هویت‌یابی در برابر سردرگمی نقش^۲ است. هرچند اریکسون (۱۹۶۸) نخستین کسی بود که در نظریه خود به تشریح هویت پرداخت (ماسن، به نقل از: یاسائی، ۱۳۹۲، ص ۶۸۲)، به گونه‌ای که اصطلاح «بحران هویت»^۳ به مفهومی کاملاً متداول تبدیل شد (شولتز و شولتز، ۲۰۰۸)، اما پس از او پژوهشگران دیگری به ابعاد بیشتری از آن اشاره کرده، حتی برای آن مؤلفه‌هایی را تعیین کردند که می‌توان به وسیله آنها و در قالب یک آزمون، هویت افراد را مورد سنجش قرار داد. پس از جایگاه‌های هویتی^۴ مارسیا (۱۹۶۶) و رشد خود^۵ لووینگر (۱۹۷۶)، جدیدترین نظریه‌ای که به تبیین هویت اشاره دارد، توسط برزونسکی (۱۹۹۲) و با عنوان سبک‌های هویتی^۶ مطرح شده است.

برای دریافت درک بهتری از سازه‌های روان‌شناختی، باید آنها را به همراه متغیرهای چندگانه دیگری که از حیث نظری دارای افق نزدیکی هستند مطالعه کرد. به تعبیر میرز^۷ و همکاران (۲۰۰۶) رفتار امری پیچیده و تحت تأثیر متغیرهای چندگانه است. بنابراین پیش‌بینی رفتار به وسیله متغیرهای بیشتر، بهتر از متغیرهای کمتر امکان‌پذیر است و با استفاده از اندازه‌های چندگانه می‌توان پدیده‌های مورد بررسی را کامل‌تر و با جزئیات بیشتری توضیح داد (به نقل از شریفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۹ و ۳۱). هویت نیز یکی از همین دست سازه‌هاست که در این مطالعه، با روشی پیچیده و با استفاده از متغیرهای دیگر بررسی شده است.

به نظر اریکسون، انتخاب ارزش‌ها، باورها و اهداف زندگی، مهم‌ترین مشخصه اصلی هویت

1. Mussen
2. role confusion
3. identity crisis
4. identity status
5. ego development
6. Identity Styles
7. Meyers

را در دوره نوجوانی و جوانی شکل می‌دهد. اریکسون معتقد است که در پایان نوجوانی، برخی موارد و از جمله آنها مذهب و ارزش‌های اخلاقی، موضوعاتی مهم برای تصمیم‌گیری نوجوان هستند. باورهای مذهبی والدین به بسیاری از نوجوانان تلقین می‌شود، ولی آنان در اواخر نوجوانی متوجه می‌شوند که می‌توانند خودشان درباره مذهب تصمیم بگیرند (بیریا و همکاران، ۱۳۸۵). با توجه به این مطلب، مشخص کردن سهم دین‌داری در شکل‌گیری هویت می‌تواند دغدغه‌های بسیاری را برطرف سازد و مقدماتی برای بهینه‌سازی برنامه‌های تربیتی - دینی نوجوانان مهیا کند.

از سویی دیگر به نظر اریکسون نیروی بنیادی ناشی از بحران‌های هویت نوجوانی، وفاداری^۱ است. وفاداری به معنای اعتقاد به دیدگاه یا بینش ایدئولوژیکی درباره آینده است. اعتمادی^۲ که در نوباوگی آموخته شده است، اساس وفاداری در نوجوانی را تشکیل می‌دهد. وی می‌افزاید: پیش از اینکه نوجوانان به نظر خودشان درباره آینده ایمان داشته باشند، باید یاد بگیرند به دیگران اعتماد کنند. آنها باید در نوباوگی امید را پرورش داده باشند؛ زیرا امید شرط لازم برای وفاداری است (فیست و فیست، ۲۰۰۸). برک (۲۰۰۶) بیان می‌کند افرادی که احساس می‌کنند به خانواده خود دل‌بسته هستند و در عین حال آزادند تا عقاید خود را بیان کنند، در حالت کسب هویت قرار دارند. پیرو پژوهش‌های اینسورث^۳ (۱۹۷۸) سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا ارائه شده است که هر یک می‌تواند با هویت فردی و شکل‌گیری آن در ارتباط باشد.

پس در عرصه نظر، ارتباط وسیع و وثیقی میان هویت، دل‌بستگی و پایبندی به مرام ایدئولوژیکی وجود دارد و این‌گونه به نظر می‌رسد که افراد برای اینکه بتوانند هویت سالمی را تشکیل دهند و به بزرگسالان موفق تبدیل شوند، باید در دین‌داری و کسب سبک دل‌بستگی مناسب موفق بوده باشند. از آنجاکه ممکن است برخی عوامل شخصیتی مانند روان‌آزرده‌گرایی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، توافق و وظیفه‌شناسی در پیشبرد این پژوهش دخیل باشند، این عوامل از نظر غافل‌نمانده‌اند و در قالب یک متغیر بررسی می‌شوند. پژوهش‌هایی نیز وجود دارند که به ارتباط میان عوامل شخصیتی و نوع شکل‌گیری هویت افراد می‌پردازند که به آنها اشاره خواهد شد.

لیندستروم (۲۰۱۵) در پژوهشی رابطه مثبت و معنادار میان دین‌داری و تعهد هویت و فقدان رابطه معنادار میان دین‌داری و اکتشاف را گزارش کرده است. در پژوهش برجعلی، خسروی و پورشهریاری (۱۳۹۲) یافته‌ها حاکی از این است که میان جهت‌گیری مذهبی با هویت فردی، رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود داشته و هویت فردی بر اساس جهت‌گیری مذهبی قابل تبیین است. این نتیجه در پژوهش‌های دیگر نیز تأیید شده و میان دین‌داری و بحران هویت نتایج معکوس و

1. fidelity
2. trust
3. Ainsworth

معنادار به دست آمده است که در جای خود به آنها اشاره می‌شود. شنگ^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیده که افراد با سبک دل‌بستگی ایمن، به سطوح بالاتری از تعهد و سطوح پایین‌تری از اکتشاف‌گری تمایل دارند. در افراد با سبک دل‌بستگی نایمن، در هر دو مورد تعهد و اکتشاف‌گری سطوح پایینی مشاهده شده است. امتیاز و نقوی^۲ (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که دل‌بستگی به والدین به صورت مثبتی با سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و تعهد ارتباط دارد، اما با سبک هویتی سردرگم/اجتنابی به صورت منفی همبستگی دارد. این روابط در پژوهش‌های دیگر نیز تأیید شده که به آنها اشاره خواهد شد. در مطالعه شیردل و همکاران (۲۰۱۵) روشن شد که تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی، پیش‌بین‌های مثبتی برای سبک هویت اطلاعاتی هستند. همچنین عوامل برون‌گرایی، توافق و وظیفه‌شناسی، پیش‌بین‌های مثبتی برای سبک هویت هنجاری به شمار می‌روند؛ اما عامل شخصیتی تجربه‌پذیری پیش‌بین منفی برای سبک هویت هنجاری است و عامل وظیفه‌شناسی پیش‌بین منفی برای سبک هویت سردرگم/اجتنابی است. نتیجه دیگر حاکی از آن است که عوامل برون‌گرایی، تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی پیش‌بین‌های مثبتی برای تعهد هستند. تجربه‌پذیری تنها عاملی است که به صورت مثبت سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد در هویت و نیز به صورت منفی سبک هویت سردرگم/اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به اهمیت سازه هویت فردی و نقش آن در آینده فردی و اجتماعی و نیز با مرور ادبیات مرتبط با این موضوع، آنچه ضروری می‌نماید، اقدام به رفع نقص و کمبود موجود در ادبیات در محورهای زیر است:

نخست اینکه با توجه به گفته میرز و همکاران (۲۰۰۶)، رفتار مسئله‌ای پیچیده است و متغیرهای فراوانی در بروز آن مؤثرند. از این روی هرچه متغیرها بیشتر باشند، بهتر می‌توان رفتار را پیش‌بینی کرد (به نقل از: شریفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۱). پژوهشگر بر آن است که در این مطالعه سازه روان‌شناختی هویت فردی را با استفاده از متغیرهای بیشتر و روش تحلیلی پیچیده‌تر - که کمتر به این شکل مطالعه شده است - بررسی کند؛

دوم اینکه در پژوهش‌های مرتبط با موضوع، به روش همبستگی صرف بسنده شده است و پژوهشی که سهم متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری هویت را تعیین کند، مشاهده نشد؛ سوم اینکه، پژوهش‌های مطالعه‌شده در پیشینه و مرتبط با موضوع، سازه هویت را به روش رگرسیون چندگانه مطالعه نکرده‌اند؛ که در پژوهش حاضر این کمبود نیز جبران خواهد شد. بنابراین

1. Sheng
2. Imtiaz & Naqvi

با انجام مطالعه پیش رو علاوه بر اینکه به غنای ادبیات علمی در زمینه هویت افزوده خواهد شد، به تبیین متغیرهای سبب‌ساز هویت نیز اشاره خواهد رفت.

با توجه به مطالب یادشده، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا سهم هر کدام از متغیرهای دین‌داری، سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی در تبیین واریانس مؤلفه‌های متغیر هویت فردی نوجوان تعیین گردد. به بیان دیگر، با توجه به روابط موجود میان هر یک از متغیرهای مستقل سه‌گانه با هویت فردی، پژوهش حاضر در چارچوب نظریه شخصیت اریکسون درباره سازه هویت، به تعیین سهم هر کدام از متغیرهای سه‌گانه در تبیین هویت فردی نوجوان می‌پردازد.

روش پژوهش

این پژوهش کمی، از نوع پژوهش‌های همبستگی است. برای پی بردن به رابطه بین تغییرات دو یا چند متغیر که هم‌زمان اندازه‌گیری شده‌اند، از تحلیل رابطه هم‌زمانی استفاده می‌شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۰).

جامعه آماری این پژوهش عبارت است از تمامی دانش‌پژوهان مشغول به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع) شهر قم در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، تمامی طلاب مشغول به تحصیل در جامعه‌الزهراء (ع) شهر قم در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ و همه دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه دولتی شهرستان اراک، در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳؛ مشروط بر اینکه همه نمونه‌ها از هر دو والد در ایام کودکی و نوجوانی برخوردار بوده و مشکلات بارز جسمانی و روانی نداشته باشند. تعداد ۶۱۶ پرسشنامه از نمونه‌های در دسترس جمع‌آوری شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G) را مایکل برزونسکی^۱ (۱۹۸۹) ساخته است. وایت و همکاران (۱۹۹۸)، به نقل از: امیدیان، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱) به تهیه نسخه‌ای از این مقیاس با جمله‌بندی ساده‌تر به روش توازن‌سازی مقابله‌ای با نسخه اصلی اقدام کردند. برزونسکی و همکاران (۲۰۰۳) برای نشان دادن جنبه دیگری از هویت، یعنی فرایندهای شناختی درگیر در مقابله و حل مسئله میان افراد در مراحل گوناگون و تلفیق جنبه‌های گوناگون هویت از قبیل فرایند، ابعاد ساختاری و محتوا،

1. Michael Berzonsky

پرسشنامه سبک هویت^۱ را طراحی کردند (امیدیان، ۱۳۸۸، ص ۳۵). برزونسکی برخلاف مارسیا، الگویی از هویت ارائه داد که به جای بررسی مراحل و یا حالت‌های هویت، فرایند شکل‌گیری هویت را دنبال کرده است.

این آزمون یک مقیاس خودگزارش‌دهی مداد کاغذی است که مشتمل بر چهل گویه است. یازده گویه به سبک اطلاعاتی، ده گویه به سبک هویت سردرگم/اجتنابی، نه گویه به سبک هویت هنجاری و ده گویه به خرده مقیاس تعهد اختصاص دارد. این خرده مقیاس یک سبک هویتی به شمار نمی‌آید و برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود. پاسخ به پرسش‌ها بر اساس مقیاس لیکرت، پنج درجه‌ای است که از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) نمره‌گذاری می‌شود (غضنفری، ۱۳۸۳، ص ۸۴). برزونسکی (۱۹۹۲) اعتبار به روش همسانی درونی (ضریب آلفا) مقیاس اطلاعاتی را آلفای ۰/۶۲، مقیاس هنجاری را آلفای ۰/۶۶ و مقیاس سردرگم/اجتنابی را آلفای ۰/۷۳ گزارش کرده است.

در ایران، این پرسشنامه را غضنفری (۱۳۸۳) هنجاریابی کرد. وی برای تعیین اعتبار این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، ضریب آلفای کرونباخ را برای کل پرسشنامه، ۰/۷۳، سبک هویت اطلاعاتی ۰/۶۷، سبک هویت هنجاری ۰/۵۲، سبک هویت سردرگم/اجتنابی ۰/۶۲ و برای مقیاس تعهد ۰/۵۷ به دست آورد. این نتایج نشان‌دهنده اعتبار مناسب پرسشنامه سبک هویت است.

پرسشنامه دین‌داری خدایاری‌فرد: خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۹۲) پرسشنامه چهل گویه‌ای دین‌داری را از فرم ۱۱۳ گویه‌ای آن، که حاصل پژوهش‌های گروهی است، استخراج کرده‌اند. این مقیاس دین‌داری را بر اساس سه مؤلفه باور دینی، عواطف دینی و رفتار دینی ارزیابی می‌کند. الگوی پاسخ‌دهی به پرسش‌های آن لیکرت شش درجه‌ای صفر تا شش (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، معمولاً، اکثر اوقات، همیشه) است. ضرایب اعتبار آیت‌ها، خرده‌مقیاس‌ها و کل مقیاس الگوی سه مؤلفه‌ای نسخه کوتاه‌شده نشان داد که کلیه زیرمقیاس‌ها از ضرایب مناسب همگونی برخوردارند و مقدار آنها ۰/۹۲ برای باور دینی، ۰/۸۱ برای عواطف دینی، ۰/۹۱ برای رفتار دینی و ۰/۹۱ برای کل مقیاس است. بررسی ضریب همبستگی نمره آیت‌ها با نمره کل زیرمقیاس مربوط نشان می‌دهد که این ضرایب بین ۰/۴۱ (آیتم ۳۷) و ۰/۷۷ (آیتم ۲۷) متغیر است. ضرایب اعتبار بازآزمایی خرده‌مقیاس شناخت و باور دینی ۰/۵۲، خرده مقیاس عواطف دینی ۰/۵۹ و وظایف

دینی ۰/۶۴ به دست آمده و ضرایب اعتبار درونی خرده‌مقیاس‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ و ۰/۹۱ حاصل شده است. ضریب روایی ملاکی نمره کل این مقیاس با نمره مؤلفه‌های چهارگانه پرسشنامه گلاک و استارک (۱۹۶۷)، بین ۰/۲۴ و ۰/۸۴؛ با نمره مؤلفه‌های جهت‌گیری دینی درونی مقیاس آلپورت و رأس (۱۹۶۵)، ۰/۶۶ و با جهت‌گیری دینی بیرونی ۰/۲۳ گزارش شده است. همچنین نمره کل این مقیاس با نمره کلی هویت دینی (رحیمی‌نژاد و احمدی، ۱۳۷۴) ۰/۴۱ و با هویت نفی دینی ۰/۴۴ - ذکر شده است.

پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی هازن و شیور (AAI): مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان^۱ را هازن و شیور^۲ (۱۹۸۷) ساخته‌اند. آنها دو پژوهشگر در زمینه دل‌بستگی هستند که نظریه بالبی را تا بزرگسالی گسترش داده‌اند. آنان دریافته‌اند که سبک‌های دل‌بستگی دوره کودکی شبیه سبک‌های دل‌بستگی دوره بزرگسالی است (هازن و شیور، ۱۹۸۷، ص ۵۱۱). این پرسشنامه یک آزمون پانزده پرسشی است و سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از یک تا پنج (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) را درباره دل‌بستگی بزرگسالان می‌سنجد. پایایی این آزمون با استفاده از روش بازآزمایی سنجیده شده که بیانگر نتایج رضایت‌بخشی بوده است. ضریب اعتبار بازآزمایی مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها ۰/۹۲ بوده است (بشارت، ۱۳۷۹). ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا (بشارت، ۱۳۷۹) برای کل آزمودنی‌ها ($n=240$) به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ است. روایی محتوایی با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی هم‌زمان از طریق اجرای هم‌زمان سیاهه مشکلات بین شخصی و سیاهه حرمت خود کوپر اسمیت ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان دادند که بین نمره آزمودنی‌ها در سبک دل‌بستگی ایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخصی همبستگی منفی معنادار ($r = -0.61$) تا $r = -0.83$ - وجود دارد. و با زیرمقیاس‌های حرمت خود، همبستگی مثبت معنادار ($r = 0.39$ تا $r = 0.41$) وجود دارد. بین نمره آزمودنی‌ها در سبک‌های دل‌بستگی ناایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی مثبت معنادار ($r = 0.26$ تا $r = 0.45$) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود همبستگی منفی اما غیر معنادار به دست آمد. این نتایج نشان‌دهنده روایی کافی پرسشنامه دل‌بستگی بزرگسال

1. Adult Attachment Inventory (AAI)
2. Hazan & Shaver

است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دل‌بستگی ایمن، سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی دوسوگرا، روایی سازه پرسشنامه دل‌بستگی بزرگسال را مورد تأیید قرار داد (بشارت، محمدی‌حاصل، نیک‌فرجام، ذبیح‌زاده و فلاح، ۱۳۹۲). ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان برای یک نمونه سی نفری در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها ۰/۹۲ بوده است.

پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت نئو فرم کوتاه (NEO-FFI): پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت^۱، پنج عامل اصلی شخصیت را اندازه‌گیری می‌کند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). الگوی پنج‌عاملی محصول سنت واژگان و سنت تحلیل عاملی در تحقیقات شخصیت است. طبق این پرسشنامه، پنج عامل یا حیطه عبارت‌اند از روان‌آزرده‌گرایی^۲، برون‌گرایی/درون‌گرایی^۳، تجربه‌پذیری^۴، توافق^۵ و وظیفه‌شناسی^۶. نسخه کوتاهی از آن با عنوان «پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت» طراحی شد. این پرسشنامه شامل شصت پرسش است که بر اساس تحلیل عاملی نمرات فرم بلند به دست آمده است. بر اساس نقل فتحی‌آشتیانی و داستانی (۱۳۹۱، ص ۴۸) نتایج متعدد نشان داده که زیرمقیاس‌های فرم کوتاه همسانی درونی خوبی دارند. برای مثال کاستا و مک‌کرا (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ (برای توافق) تا ۰/۸۶ (برای روان‌آزرده‌گرایی) را گزارش کرده‌اند. هلدن (۱۹۹۹) نیز ضریب آلفای این پنج عامل را در دامنه ۰/۷۶ (برای تجربه‌پذیری) تا ۰/۸۷ (برای روان‌آزرده‌گرایی) گزارش می‌کند. در ایران نیز بر روی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران هنجاریابی شده است. پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای عوامل N، E، O، A، C به ترتیب ضرایب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ برآورد شده است که نشان‌دهنده اعتبار بالای این مقیاس است. در زمینه روایی هم‌زمان این پرسشنامه و پرسشنامه نشانگر ریخت‌مایرز بریگز، پرسشنامه چندجنبه‌ای مینه‌سوتا، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاگرن، فهرست عوامل و مقیاس عامل بین فردی رابطه بالایی گزارش شده است (ملازاده، نقل از: فتحی‌آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۱، ص ۵۰).

برای تحلیل داده‌های این پژوهش از شیوه رگرسیون چندگانه استفاده شد. پژوهشگر داده‌های

1. NEO-Five Factor Inventory
2. Neuroticism
3. Extraversion
4. Openness to Experience
5. Agreeableness
6. conscientiousness

به دست آمده از پرسشنامه‌ها را ابتدا از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد پالایش های اولیه قرار داده و سپس اقدام به استفاده از روش رگرسیون چندگانه کرده است.

یافته‌های پژوهش

در جدول شماره یک، شاخص های توصیفی هویت فردی (سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی و تعهد)، عوامل شخصیتی (روان آزاده گرایی، برون گرایی، تجربه پذیری، وظیفه شناسی و توافق)، سبک های دل بستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و دین داری (باور دینی، عواطف دینی و رفتار دینی) به تفکیک قابل ملاحظه است.

جدول ۱. شاخص های توصیفی سبک های هویت، عوامل شخصیتی، سبک های دل بستگی و دین داری

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
سبک هویت اطلاعاتی	۳۵/۳۳	۵/۶۷	توافق	۳۲/۸۰	۶/۸۴
سبک هویت هنجاری	۳۲/۴۱	۵/۳۰	باور دینی	۵۰/۴۱	۹/۴۰
سبک هویت اجتنابی	۲۵/۴۸	۶/۱۱	عواطف دینی	۴۸/۰۹	۷/۴۴
تعهد هویتی	۳۷/۳۵	۶/۶۰	رفتار دینی	۴۴/۹۵	۱۱/۴۳
روان آزاده گرایی	۲۳/۰۳	۷/۶۶	سبک ایمن	۱۷/۳۳	۳/۸۴
برون گرایی	۲۸/۸۰	۶/۶۷	سبک اجتنابی	۹/۰۶	۴/۱۷
تجربه پذیری	۲۶/۱۷	۴/۰۶	سبک دوسوگرا	۱۰/۸۲	۳/۵۸
وظیفه شناسی	۲۸/۹۷	۵/۱۳			

در جدول شماره دو، همبستگی بین سبک های هویت و زیر مقیاس های متغیرهای سه گانه به صورت تفکیک شده ارائه گشته است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین سبک های هویت با عوامل شخصیت، سبک دل بستگی و دین داری

متغیر	سبک هویت اطلاعاتی	سبک هویت هنجاری	سبک هویت اجتنابی	تعهد هویتی
روان آزاده گرایی	-۰/۱۳***	-۰/۲۴*	۰/۱۳***	-۰/۴۱*
برون گرایی	۰/۳۰*	۰/۳۴*	-۰/۱۳***	۰/۳۷*

تجربه‌پذیری	۰/۲۹*	۰/۲۴*	۰/۱۰	۰/۱۳**
وظیفه‌شناسی	۰/۱۳**	۰/۲۵*	-۰/۱۴**	۰/۳۳*
توافق	۰/۳۵*	۰/۴۴*	-۰/۲۶*	۰/۵۰*
ایمن	۰/۰۴	۰/۲۰*	۰/۰۲	۰/۱۲**
اجتنابی	-۰/۱۲**	-۰/۳۲*	۰/۰۵	-۰/۲۲*
دوسوگرا	-۰/۱۳**	-۰/۲۸*	۰/۱۴*	-۰/۲۷*
باور دینی	۰/۲۲*	۰/۴۲*	-۰/۱۱**	۰/۴۶*
عواطف دینی	۰/۳۶*	۰/۴۰*	-۰/۱۱**	۰/۴۳*
رفتار دینی	۰/۲۰*	۰/۳۷*	-۰/۱۱**	۰/۴۹*

نتایج به‌دست‌آمده از روابط بین سبک‌های هویت با عوامل شخصیتی (روان‌آزرده‌گرایی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و توافق)، دین‌داری (باور دینی، عواطف دینی و رفتار دینی) و سبک‌های دل‌بستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) نشان داد که روابط این متغیرها بین ۰/۰۲ تا ۰/۴۹ است (جدول ۲).

در جدول شماره سه، می‌توان ضرایب رگرسیونی استاندارد شده و نیز همبستگی چندگانه متغیرهای هویت با عوامل شخصیت، دین‌داری و سبک‌های دل‌بستگی را ملاحظه کرد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده و همبستگی چندگانه متغیرهای هویت با عوامل شخصیت، دین‌داری و دل‌بستگی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	اثر مستقیم	ضریب رگرسیونی نشانگرها	واریانس تبیین شده
------------	---------------	------------	------------------------	-------------------

۰/۶۷

پیش‌بینی هویت از:

عوامل شخصیت ۰/۵۵*

دین‌داری ۰/۳۹*

سبک دل‌بستگی ۰/۰۴

هویت:

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	اثر مستقیم	ضریب رگرسیون نشانگرها	واریانس تبیین شده
	سبک هویت اطلاعاتی		۰/۵۵*	
	سبک هویت هنجاری		۰/۷۲*	
	سبک هویت اجتنابی		-۰/۱۲	
	تعهد هویتی		۰/۸۲*	
عوامل شخصیت:				
	روان آزردہ گرایی		-۰/۶۳*	
	برون گرایی		۰/۶۸*	
	تجربه پذیری		۰/۲۴*	
	وظیفه شناسی		۰/۵۳*	
	توافق		۰/۷۴*	
دین داری:				
	باور دینی		۰/۹۴*	
	عواطف دینی		۰/۶۹*	
	رفتار دینی		۰/۸۹*	
دل بستگی:				
	ایمن		۰/۶۶*	
	اجتنابی		-۰/۹۶*	
	دوسوگرا		-۰/۴۹*	

با توجه به جدول شماره سه، ضرایب رگرسیونی استاندارد شده به دست آمده از عوامل شخصیتی سبک هویت را پیش بینی کنند. ضریب رگرسیونی استاندارد شده سبک دل بستگی ($\beta = ۰/۰۴$)، ($P < ۰/۰۱$) و دین داری ($\beta = ۰/۳۹$)، ($P < ۰/۰۱$) نشان داد که این دو متغیر می توانند سبک هویت را پیش بینی کنند. ضریب رگرسیونی استاندارد شده سبک دل بستگی ($\beta = ۰/۰۴$)، ($P > ۰/۰۵$) نشان دادند که سبک دل بستگی، توانایی پیش بینی سبک هویت را ندارد. همچنین نتایج به دست آمده با توجه به هدف پژوهش مبنی بر اینکه عوامل شخصیت، دین داری و دل بستگی می توانند سبک هویت را پیش بینی کنند، نشان دادند که عوامل شخصیت و دین داری می توانند ۶۷ درصد از واریانس سبک های هویت را تبیین کنند، در حالی که سبک های دل بستگی نقش معناداری در پیش بینی سبک های هویت ندارند.

ضرایب رگرسیونی نشانگرها بر روی متغیرهای پیش‌بین (شخصیت، دین‌داری و دل‌بستگی) نشان می‌دهند که این نشانگرها هر کدام سازه مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کنند. در میان نشانگرهای عوامل شخصیتی، روان‌آزرده‌گرایی ضریب منفی دارد؛ بدین معنا که هرچه این عامل افزایش یابد، هویت کاهش خواهد یافت. عوامل برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، وظیفه‌شناسی و توافق، ضریب رگرسیونی مثبت و معناداری داشتند که حاکی از این است که هر چه این عوامل افزایش یابند، سبک هویت نیز افزایش خواهد یافت.

عواطف دینی، رفتار دینی و باور دینی نیز ضریب رگرسیونی مثبت و معناداری داشتند؛ بدین معنا که افزایش آنها پیش‌بینی‌کننده افزایش هویت در فرد است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تعیین سهم هر کدام از متغیرهای دین‌داری، سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی در تبیین واریانس مؤلفه‌های متغیر هویت بود. بر اساس یافته‌ها مشخص شد که هر یک از متغیرهای سه‌گانه دین‌داری، سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی، چقدر در تبیین هویت سهم‌مند. از این طریق درک بهتری نسبت به سازه هویت به دست آمد و مشخص شد که عوامل شخصیتی و دین‌داری به ترتیب دارای بیشترین سهم در تبیین هویت هستند.

از آنجا که این پژوهش در تبیین سازه هویت فردی، بر اساس دین‌داری، عوامل شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی پژوهشی بدیع است و پس از بررسی‌های فراوان، مطالعه مشابهی از لحاظ تعداد متغیرها و چینش آنها یافت نشد، نمی‌توان به صورت مستقیم به نتایج همسویا ناهمسو در دیگر مطالعات اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین نتایجی که از پژوهش حاضر به دست می‌آید، تأیید شدن فرضیه‌ها و پیش‌بینی‌پذیری متغیر هویت از روی متغیر دین‌داری است. این نکته بر اهمیت دین‌داری و آموزش دین بر افراد تأکید می‌کند. بر اساس یافته‌های گزارش‌شده، همه مؤلفه‌های دین‌داری در ارتباط مثبت و معنادار با سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری هستند و نیز ارتباطی منفی و معنادار با سبک سردرگم/اجتنابی دارند. نتایج این پژوهش همسویا با نتایج پژوهش‌های دیگری است که به رابطه‌سنجی میان دین و هویت پرداخته بودند. برخی از پژوهش‌های مورد نظر عبارت‌اند از لیندستروم^۱ (۲۰۱۵)، برجعلی، خسروی و پورشهریاری (۱۳۹۲)، بخشایش (۱۳۹۲)، دهستانی،

زاده محمدی و محمدی (۱۳۹۱) و حسینی، مزیدی و حسین چاری (۱۳۸۹). در تبیین این یافته می توان به نظر اریکسون اشاره کرد. او معتقد است که روان نوجوان روانی عقیدتی (ایدئولوژیک) است که همواره در جست و جوی وحدت بخشیدن به ایده ها و عقاید مختلف است (شاملو، ۱۳۷۴، ص ۶۵؛ وولف، ۱۹۹۷، ص ۳۷۹). مارسیا (۱۹۶۶) نیز که جایگاه های هویتی را بر اساس پایه نظری اریکسون درباره هویت بنا کرده، معتقد است زمانی فرد به هویتی بلوغ یافته دست می یابد که تعهدی قوی و آگاهانه درباره مسائلی چون ایدئولوژی دینی داشته باشد (مشمن،^۱ ۲۰۱۱، ص ۱۲۱). بر اساس نقل فالتون^۲ (۱۹۹۷، ص ۲) اریکسون در کتاب های پرشماری که تألیف کرده (۱۹۵۸، ۱۹۶۵، ۱۹۶۸)، بر اهمیت دین بر شکل گیری هویت تأکید کرده است. دین مشتمل بر خصوصیت ها و آموزه هایی است که سبب ایجاد هویتی صحیح در افراد می شود. از جمله اینکه دین و مذهب با در اختیار قرار دادن چارچوب مبانی ارزشی، به فرد کمک می کند تا در چارچوبی مشخص و متقن حرکت کند و از هر گونه تردید و تعلل رهایی یابد. هرچند انسان با استفاده از نیروی عقل توانایی درک مفاهیم برخی ارزش ها را دارد، اما در تشخیص جزئیات دچار نقص است. دین با تعیین برخی مصادیق ارزش ها همچون خوب ها و بدها، سبب رفع حیرت شده، انسان را در طی مسیر یاری می کند. دین موجب معنابخشی به زندگی نیز می شود و از این طریق به پرسش های فراوانی درباره هدف زندگی، چرایی خلقت و آینده زندگی پاسخ می دهد. مذهب با استفاده از منبع بی عیب و نقص خود، به بیان اخباری از غیب که بشر هیچ وقت قدرت دستیابی به آن را نداشته است می پردازد و از این طریق به پرسش های فراوانی پاسخ می دهد. بحران هویت زمانی حل می شود که فرد به معنا و مفهوم زندگی دست یافته باشد (نجفی، احدی و دلاور، ۱۳۸۵، ص ۲۳). اریکسون مذهب را نهاد ارزشمندی می داند که در طول تاریخ، نقش مهمی را در رفع نیازهای روان شناختی و به ویژه در ارضای «اعتماد پایه» بشر ایفا کرده است (مارکستروم-آدامز^۳ و همکاران، ۱۹۹۴، ص ۴۵۴). مارکستروم-آدامز (۱۹۹۴، ص ۴۵۵) برخی آثار مثبت دین را برای جوانان و نوجوانان از نظر اریکسون نام برده اند:

۱. جوانان به ایدئولوژی از جمله دین علاقه مندند؛ چرا که پاسخ های نهایی برای طرح هایی بزرگ تر از زندگی را ارائه می دهد. این کارکرد سبب می شود از پیچیدگی های زندگی کاسته شود؛
۲. دین برای نوجوانان یک جهت گیری تاریخی را مهیا می سازد؛ به این صورت که هم آمیزی

1. Moshman
2. Fulton
3. Marksstrom-Adams

میان فرد و پیشینه تاریخی را تسهیل می‌کند. چنین فرایندی هویت فرد را تأیید کرده، احساس مهم بودن فرد و داشتن هدف در زندگی را افزایش می‌دهد؛

۳. ادیان می‌توانند در قالب گروه‌های اجتماعی و عضویت در آنها مانع از ایجاد حس ازخودبیگانگی^۱ در فرد شوند. اریکسون مذهب را در تحول موفقیت‌آمیز شخصیت مؤثر می‌داند؛ زیرا شیوه‌های سالمی که در ارتباط با هر مرحله از زندگی از فرهنگ‌ها نشئت می‌گیرند، تحت تأثیر مذاهب شکل می‌گیرند (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۴۰). به نظر اریکسون مذهب از طریق نهادهای دینی می‌تواند به پرسش‌های اساسی نوجوانان پاسخ گوید و به آنها در کسب هویت یاری رساند (هانسبرگر،^۲ پرات^۳ و پنسر،^۴ ۲۰۰۱، ص ۳۶۶). اریکسون به دین‌داری با سبکی هویتی می‌نگرد و عقیده دارد که هویت مذهبی، بخش مهمی از هویت فردی است و نیازمند آرمان‌های فلسفی و مذهبی است (معمدی، ۱۳۸۱، به نقل از: نجفی، احدی و دلاور، ۱۳۸۵، ص ۱۸). از آنجاکه هویت می‌تواند به صورت یک سیستم ساختاریافته از متافیزیک، اخلاقیات و ایدئولوژی تعریف شود، اریکسون (۱۹۵۸) بر اهمیت اکتساب باورهای مذهبی و سیاسی در طی نوجوانی تأکید می‌کند؛ زیرا این باورها به فرد کمک می‌کنند چشم‌اندازی خاص را رشد دهد (حسینی، مزیدی و حسین چاری، ۱۳۸۹، ص ۵۵).

نجفی و همکاران (۱۳۸۵، ص ۲۴) در تبیین تأثیر دین‌داری بر هویت، به این دیدگاه اریکسون اشاره می‌کنند که وقتی نوجوان قادر به یافتن ارزش‌های پایدار در خانواده و فرهنگ نباشد و ایدئولوژی قابل قبولی نیز ارائه نگردد، دچار درهم‌ریختگی عقیدتی می‌شود و از این روی هویتی ازهم‌پاشیده در او ایجاد خواهد شد. باورها و تعالیم دینی هستند که به زندگی بشر معنا می‌بخشند و این آشفتگی را برطرف می‌سازند. تحقیقات انجام‌شده بیانگر تأثیر مثبت مذهب در یافتن راه‌حل‌های مناسب برای حل بحران هویت‌اند (نجفی، ۱۳۸۴، ص ۴۰). وقتی نوجوان به اطراف خود می‌نگرد و به ارزیابی هویت خود می‌پردازد، احساس می‌کند درباره وجود انسان، خود و حتی طبیعت نیازمند پاسخ به پرسش‌هایی است. نوجوان مایل است خلاً موجود در زندگی‌اش را پر کند. در این دوره، یک دسته عقاید متقن، به نوجوان از نظر روانی امنیت و آرامش فکری می‌دهد. فهمیدن فلسفه زندگی و متکی بودن به تشکیلات مذهبی، موجب ایجاد آرامش خاطر می‌شود و به

1. alienation
2. Hunsberger
3. Pratt
4. Pancer

رفع بحران هویت کمک می‌کند (بخشایش و رضایی مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹).

کروگر^۱ (۱۹۹۳، نقل از: زاده‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۶) معتقد است که افراد با سبک هویتی سردرگم/اجتنابی، دارای ویژگی‌هایی چون عدم پایداری به اهداف مثبت، عضویت در گروه‌های بزهکار، بدبینی و خشم هستند. واضح است که چنین صفاتی در ادیان نهی شده‌اند و می‌توانند حاکی از سطح پایین دین‌داری فرد در عرصه شناختی و یا رفتاری باشند. افرادی که از سبک هویت اطلاعاتی برخوردارند، ویژگی‌هایی دارند که مورد تأیید و تأکید دین است. برزونسکی و آدامز (۱۹۹۹) در بیان این ویژگی‌ها آورده‌اند که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، سخت‌کوش، خودتنظیم‌گر، درون‌نگر و خودآگاه‌اند. یکی دیگر از این آموزه‌ها تأکید دین بر مسئولیت‌پذیری است. افراد با مسئولیت‌پذیری بالا معمولاً اهل تعلل و واگذاری امور به آینده نیستند و برای پیشرفت، به‌سختی کار می‌کنند. این در حالی است که افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی، از رویارویی با مسائل و تصمیم‌های شخصی بیزارند و با خواسته‌ها و مشوق‌های محیطی کنترل می‌شوند. آنها به تعلل و تأخیراندازی در تصمیم‌گیری‌های شخصی تمایل دارند و از پرداختن به مسائل مربوط به هویت می‌پرهیزند (برزونسکی، ۱۹۹۰، ۱۹۸۹). یکی دیگر از وجوه مسئولیت‌پذیری، توجه به عاقبت کار و در نتیجه استفاده صحیح از قدرت انتخاب است. آموزه‌های دینی انسان را به عاقبت کار توجه می‌دهند^۲ و مسئولیت انتخاب هر فرد را متوجه وی می‌دانند.^۳

این نتایج با آموزه‌های دین اسلام و بیان اندیشمندان مسلمان نیز کاملاً هماهنگ است. در آموزه‌های دینی بر شناخت خود تأکید فراوانی شده است؛ تا جایی که این نوع شناخت، در ازای شناخت خداوند و حتی مقدمه‌ای برای شناخت خداوند قرار گرفته است.^۴ خداوند سبحان در آیه ۱۷۹ سوره اعراف، برخی دوزخیان را که پست‌تر از حیوانات‌اند، با صفت غافل یاد کرده است.^۵ برخی متفکران (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۲) در تبیین معنای غفلت گفته‌اند: مراد، غفلت از «خود انسانی» است. اگر انسان «خود انسانی» خویش را فراموش کند، به چنین ورطه‌ای از سقوط

1. Kroger

۲. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (زلزال: ۷ و ۸)؛ قال امیرالمؤمنین علیه السلام: التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ، فَإِنَّهُ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۷۰).
۳. لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (انعام: ۱۶۴)
۴. من عرف نفسه فقد عرف ربه (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۸۸)
۵. وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف: ۱۷۹).

گرفتار می‌آید. قرآن کریم منشأ فراموشی خود را غفلت از خداوند می‌داند.^۱ از این آیه معلوم می‌شود که آن «خود انسانی» انسان هر چه هست، با «خدا» ارتباط دارد؛ چراکه از یاد بردن خدا با از یاد بردن خود ملازم دانسته شده است. از این روی کسی که از وجود خودش تنها همین مظاهر مادی و حیوانی را می‌فهمد و در سرتاسر زندگی فقط به همین‌ها توجه می‌کند، همان انسانی است که از هویت انسانی خویش غافل شده است.

نتیجه دیگری که از این تبیین گرفته می‌شود این است که منشأ سقوط و مانع ترقی انسان، «غفلت» است؛ غفلت از خود و از چیزهایی که مقوم وجود انسان، یا هدف و مسیر تکامل اویند. طبیعی است که وقتی غفلت از خود و مقومات وجودی و هدف و مسیر خویش عامل سقوط انسان است، درمان آن نیز «توجه» به همین امور است. خداوند در سوره مائده، آیه ۱۰۵، راه درمان این نابهنجاری را توجه به خود دانسته است.^۲ بنابراین اگر «خودآگاهی» در وجود کسی کم‌رنگ شود، با انسانیت خودش فاصله می‌گیرد و این همان از خود بیگانگی است.

در مطالعه حاضر رابطه عوامل شخصیتی برون‌گرایی، توافق و وظیفه‌شناسی با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری مثبت و با سردرگم/اجتنابی منفی است. از سویی دیگر رابطه عامل روان‌آزرده‌گرایی با سبک هویت سردرگم/اجتنابی مثبت و با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری منفی است. همچنین رابطه تعهد هویتی با عوامل برون‌گرایی، توافق، تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی مثبت و با روان‌آزرده‌گرایی منفی است. این نتایج همسو با یافته‌های پژوهش‌های فراوانی از جمله شیردل و همکاران (۲۰۱۵)، صادقی، تاجیک‌زاده و مهربانی‌زاده هنرمند (۲۰۱۴)، دورییز و سنس (۲۰۰۶) و مغاللو، وفایی و شهرآرای (۱۳۸۷) است. رابطه مثبت میان عامل روان‌آزرده‌گرایی و سبک هویت سردرگم/اجتنابی نیز مطابق با نتایج پژوهش حسینی‌نسب، پورشریفی و محمدی (۱۳۸۸) است. درباره ارتباط تعهد هویتی با عوامل شخصیت، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های شیردل و همکاران (۲۰۱۵) همسوست.

درباره رابطه مثبت عامل روان‌آزرده‌گرایی با هویت سردرگم می‌توان به گفته لت^۳ (۲۰۰۱) اشاره کرد. به گفته وی توانایی تنظیم هیجان‌ها به واسطه تحول‌یافتگی مطلوب هویت در سطوح بالا حاصل می‌شود و افراد با هویت سردرگم تا حد بسیاری از آن برخوردار نیستند (زاده‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۵). از آنجاکه افراد با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری از سطوح

۱. الَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ (حشر: ۱۹).

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ (مائده: ۱۰۵).

بالا تری از تحول یافتگی مطلوب هویت برخوردارند، پس رابطه منفی میان عامل روان آزرده‌گرایی و سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری در این پژوهش به خوبی تبیین می‌گردد.

به گفته حق‌شناس (۱۳۹۰، ص ۱۸)، افرادی که دارای نمره‌های پایینی در عامل شخصیتی روان آزرده‌گرایی هستند، افراد با ثباتی به شمار می‌آیند. این افراد معمولاً آرام و دارای خلقی یکنواخت و راحت هستند و به آسانی می‌توانند بدون برآشفتنگی و مشکل رفتاری با موقعیت‌های بغرنج و فشار روانی روبه‌رو شوند. این ویژگی‌ها در افراد با سبک هویت اطلاعاتی نیز به وضوح مشاهده می‌شود. این افراد سخت‌کوش، خودتنظیم‌گر، با عزت نفس بالا، دارای منبع کنترل درونی، خودآگاه و دارای قدرت حل مسئله و پیچیدگی شناختی هستند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

رابطه مثبت سبک دل‌بستگی ایمن با سبک هویت سردرگم/اجتنابی می‌تواند موجب عدم پیش‌بینی هویت توسط متغیر سبک دل‌بستگی باشد. این نتیجه ناهمسو با تمامی پژوهش‌های بررسی شده است که به آنها اشاره شد. این ناهمسویی وسیع می‌تواند حاکی از بروز خطا در انجام پژوهش باشد. سهم پرسشنامه به کار گرفته شده را نمی‌توان در بروز این خطا نادیده گرفت. برخی گویه‌های این پرسشنامه به گونه‌ای طراحی شده‌اند که آزمودنی در تشخیص و انتخاب گزینه صحیح (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) دچار مشکل و اشتباه می‌شود. در روند اجرای این پرسشنامه، بارها شرکت‌کنندگان پرسیدند که منظور گویه مورد نظر چیست؟ ارزیابی پژوهشگر این است که مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۸۷) که توسط بشارت (۱۳۹۲) ترجمه و هنجار شده، برای مقاصد تشخیصی و مشاوره‌ای مناسب است و نمی‌توان از آن در پژوهش‌های بزرگ، به ویژه زمانی که با شمار بسیاری گویه روبه‌رویم، استفاده کرد. پیچیدگی برخی گویه‌ها به دشواری تعداد بالای گویه‌ها و خستگی شرکت‌کنندگان دامن خواهد زد.

علاوه بر اینکه برخی پژوهش‌ها (گنس بائر،^۱ ۱۹۸۲، به نقل از: پروین و جان،^۲ ۲۰۰۱، ترجمه جوادی و کدیور، ۱۳۸۶، ص ۸۷) تداوم تجارب خوشایند یا ناخوشایند را در پیمودن موفق یا ناموفق مراحل رشد اریکسون شرط دانسته‌اند؛ به این معنا که برخورداری از سبک دل‌بستگی ایمن در مرحله اول رشد، لزوماً به معنای کسب سبک هویت سالم در مراحل بعدی رشد نخواهد بود. در این میان تداوم عوامل ایجادکننده سبک دل‌بستگی ایمن از اهمیت برخوردار است. در تبیین یافته به‌دست آمده در مطالعه حاضر، می‌توان گفت هرچند برخی آزمودنی‌ها دارای سبک دل‌بستگی ایمن شده‌اند، اما به این دلیل که تجارب عاطفی اولیه و سودمند تداوم نیافته‌اند، در مرحله پنجم

1. Gaensbauer
2. Pervin & John

دچار سبک هویتی سردرگم/ اجتنابی شده‌اند. به بیان دیگر، هرچند سال‌های اولیه زندگی مهم‌اند، ولی این اهمیت بیشتر در راستای الگوهاست تا رویدادهای پراکنده. بنابراین ممکن است نوع سبک دل‌بستگی به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی مراحل بعدی رشد شخصیت نباشد و در کنار بررسی سبک دل‌بستگی، نیاز است تا مداومت عوامل ایجادکننده این سبک نیز بررسی شود.

فقدان پژوهش‌های مشابه در چنین متغیرها به منظور مقایسه نتایج، انتخاب شرکت‌کنندگان از میان قشر تحصیل‌کرده و عدم امکان تعمیم نتایج به دیگر گروه‌ها، تعداد زیاد گویه‌ها (۱۸۶ مورد) که موجب ایجاد خستگی، از بین رفتن تمرکز و کم‌رغبتی شرکت‌کنندگان در انجام پژوهش می‌گردد و مبهم بودن برخی گویه‌ها در ابزار سنجش دل‌بستگی و بدفهمی آنها را می‌توان از جمله محدودیت‌های این مطالعه دانست.

برای تطبیق‌های مفهومی دقیق‌تر میان مفاهیم دینی و روان‌شناختی، پیشنهاد می‌شود میان مفاهیم تعهد و نیز مفهوم خودآگاهی در هر دو حوزه دینی و روان‌شناختی، مطالعات تطبیقی دقیقی صورت پذیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود که از روش‌های جدیدتر و دقیق‌تری مانند روش مدل‌یابی معادلات ساختاری در تحلیل داده‌های این مطالعه، در قالب پژوهشی دیگر استفاده شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امیدیان، مرتضی (۱۳۸۸). هویت از دیدگاه روان‌شناسی. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
۳. بخشایش، علیرضا (۱۳۹۲). رابطه بین باورهای مذهبی، بحران هویت و سبک‌های هویت در دانش‌آموزان، مجله مطالعات ملی. ۵۶: ۳۵-۵۰.
۴. بخشایش، علیرضا و رضایی مقدم، مریم (۱۳۹۰). رابطه دین‌داری و خودشناسی با شکل‌گیری هویت، معرفت. ۱۶۳: ۱۱۷-۱۳۲.
۵. برجعلی، زهرا و همکاران (۱۳۹۲). نقش جهت‌گیری مذهبی در ساختار هویت فردی، مجله روان‌شناسی و دین. ۶ (۲): ۹۹-۱۱۰.
۶. بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس دل‌بستگی، گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
۷. بشارت، محمدعلی (۱۳۹۲). مقیاس دل‌بستگی بزرگسال: پرسشنامه، شیوه اجرا و کلید نمره‌گذاری (نسخه فارسی)، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی. ۳۵: ۳۱۷-۳۲۰.
۸. بشارت، محمدعلی و همکاران (۱۳۹۲). مقایسه سبک‌های دل‌بستگی در بیماران مبتلا به افسردگی، اختلال‌های اضطرابی و افراد عادی، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی. ۳۵: ۲۲۷-۲۳۶.
۹. بی‌ریا و همکاران (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد ۲ با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. پروین، لارنس و جان، الیور (۱۳۸۶). شخصیت: نظریه و پژوهش. ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: نشر آبیژن. چاپ دوم.
۱۱. حسینی، فریده‌سادات و همکاران (۱۳۸۹). پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس جهت‌گیری‌های مذهبی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. اندیشه‌های نوین تربیتی. دانشگاه الزهراء. ۶ (۱): ۵۳-۷۱.
۱۲. حسینی‌نسب، سیدداوود و همکاران (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با انواع هویت در دانش‌آموزان دختر سوم راهنمایی شهر تبریز سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸، علوم تربیتی. ۶: ۸۱-۹۸.
۱۳. حق‌شناس، حسن (۱۳۹۰). روان‌شناسی شخصیت: آزمون‌های نئو، آزمون سرشت و منش، اختلالات شخصیت، توصیه‌های روان‌درمانی. شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز. چاپ دوم.

۱۴. خدایاری‌فرد، محمد و همکاران (۱۳۹۲). ساخت فرم کوتاه مقیاس سنجش دین‌داری برای جامعه دانشجویی. در دست چاپ.
۱۵. دهستانی، مهدی و همکاران (۱۳۹۱). بررسی میزان دین‌داری و ارتباط آن سبک‌های هویت دانشجویان، علوم رفتاری. ۶ (۲): ۱۷۱-۱۷۹.
۱۶. زاده‌محمدی، علی و همکاران (۱۳۹۰). رابطه عوامل شخصیت با گرایش به خشونت: نقش میانجیگر پایگاه‌های هویت، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی. ۵ (۱): ۲۴-۴۰.
۱۷. سرمد، زهره و همکاران (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه. چاپ بیست و چهارم.
۱۸. شاملو، سعید (۱۳۷۴). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران: رشد. چاپ پنجم.
۱۹. طباطبایی، نفیسه و همکاران (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۴۴: ۲۳-۴۲.
۲۰. غضنفری، احمد (۱۳۸۳). «اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (G-6)»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی. ۱۷: ۸۱-۹۶.
۲۱. فتحی‌آشتیانی، علی و داستانی، محبوبه (۱۳۹۱). آزمون‌های روان‌شناختی ارزشیابی شخصیت و سلامت روان. تهران: بعثت. چاپ هفتم.
۲۲. ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۹۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسائی. تهران: کتاب ماد. چاپ شانزدهم.
۲۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). آیین پرواز. تلخیص جواد محدثی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع). چاپ هفتم.
۲۴. مغاللو، مهناز و همکاران (۱۳۸۷). رابطه عوامل مدل پنج‌عاملی شخصیت و سبک‌های هویت، مجله پژوهش‌های روان‌شناختی. ۱۱ (۱ و ۲): ۷۹-۹۴.
۲۵. میرز، لارنس و همکاران (۱۳۹۱). پژوهش چندمتغیری کاربردی (طرح و تفسیر). ترجمه حسن‌پاشا شریفی و همکاران. تهران: رشد.
۲۶. نجفی، محمود (۱۳۸۴). نقش دین در حل بحران هویت نوجوانان، معلم. ۵: ۴۰-۴۱.
۲۷. نجفی، محمود و همکاران (۱۳۸۵). بررسی رابطه کارایی خانواده و دین‌داری با بحران هویت، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد. ۱۶: ۱۷-۲۶.
28. Ainsworth, Maryet al. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

29. Arslan, Emel & Ari, Ramazan (2010). Analysis of ego identity process of adolescents in terms of attachment styles and gender, *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 2. 744-750.
30. Bell. M. David (2009). *Religious Identity; Conceptualization and measurement of the religious self*. A dissertation Doctor of Philosophy. Emory University.
31. Berk. Laura E. (2006). *Development through the Lifespan*. Allyn & Bacon. 4th edition
32. Berzonsky, M. D. & Adams, G.R. (1999). Revaluating the identity status paradigm: still useful after 35 years, *Developmental Review*. 19. 557-590.
33. Berzonsky, M. D. (1989). Identity style conceptualization and measurement, *Journal of Adolescent Research*. 4. 268-282.
34. Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the lifespan: a process perspective on identity formation, *Advances in Personal Construct Psychology*. 1. 155-186.
35. Berzonsky, M. D. (1992). *Identity Style Inventory (ISI3): Revised version..* State University of New York. Cortland. NY.
36. Costa, P.T & McCrae, R.R. (1992). *NEO-PI-R Professional Manual*. Odessa. FL: Psychological Assessment Resource. Inc.
37. Duriez, Bart & Soenens, Bart (2006). Personality, identity styles and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents, *Journal of Adolescence*. 29. 119–135.
38. Erikson, Erik (1968). *Identity: youth and crisis*. New York: Norton.
39. Feist, Jess & Feist, Gregory (2008). *Theories of Personality*. McGraw-Hill.
40. Fulton, Aubyn (1997). Identity status, religious orientation, and prejudice, *Journal of Youth and Adolescence*. 26 (1). pp. 1-11.
41. Hazan, Cindy & Shaver, Phillip (1987). Romantic Love Conceptualized as an Attachment Process, *Journal of Personality and Social Psychology*. 52(3). 511-524.
42. Hunsberger, Bruce et al. (2001). Adolescent Identity Formation: Religious Exploration and Commitment, Identity, *An International Journal of Theory and Research*. 1(4). 365-386.
43. Imtiaz, Sara & Naqvi, Irum (2012). Parental Attachment and Identity

Styles among Adolescents: Moderating Role of Gender, *Pakistan Journal of Psychological Research*. 27(2). 241-264.

44. Lindström, Emelie (2015). *The Relationship between Identity Development and Religiousness in Swedish Emerging Adults*. Master Thesis. Stockholms University, Psychology Institution.
45. Loevinger, J. (1976). *Ego development*. San Francisco: Jossey-Bass.
46. Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status, *Journal of Personality and Social Psychology*. 3. 551–558.
47. Marcia, J. E. (1980). Identity in adolescence. In J. Adelson (Ed.) *Handbook of adolescent psychology*. (pp. 159–187). New York: Wiley.
48. Markström-Adams et al. (1994). The Ego-Virtue of Fidelity: A Case for the Study of Religion and Identity Formation in Adolescence, *Journal of Youth and Adolescence*. 23(4). 453-469.
49. Moshman, david (2011). *Adolescent Rationality and Development Cognition, Morality, and Identity*. New york: Psychology Press. 3rd Edition.
50. Sadeghi, R. et al. (2014). The Relationship between Personality Traits and Identity Styles in Students, *Journal of ILAM University of Medical Sciences*. 22. 206 – 216.
51. Schultz, Duane P. & Schultz, Sydney E. (2013). *Theories of Personality*. Belmont. Wadsworth Cengage Learning.
52. Sheng, Shuyan (2014). Attachment Styles and Identity Status: An Exploratory Study. <http://hdl.handle.net/1811/60409>.
53. Shirdel, Esmail et al. (2015). Personality Characteristics and Identity Styles of Iranian Students, *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*. 41(1). 110-116.
54. Wulff, David (1997). *Psychology of Religion Classic and Contemporary*. John Wiley & Sons.

